

The harmony of sound and meaning in the verses of blowing trumpets

Mansore talebian^{*}, Rooholah sayadi nezhad^{**}

Hossein Imanian^{***}

Abstract

One of the most important aspects of Quran felicity is the rhythm of verses. Beautiful rhythm and sounds have effect on evolutionary and changing the spirit of mankind, the God has mixed the verses of his book with wonderful rhythm.

In fact the rhythm of Quran is the first level of attracting audience. This discipline has inseparable connection with meaning structure. So that a small change in rhythm of verses can change the meaning dimension in this study. We want to study the role of tone in illustrating the verses by using descriptive- analytic. The study shows that the smallest vocalic unit in this verses have meaning messages and vocals of verses depend on meaning and speech and change according to mode of verses. Presence of weak features in verses represent the silence which happen after blowing in horn and the death that finish the lives of who lives in sky and earth and just God will be remain.

Keywords: Quran, blowing life, blowing death, semantics, attributes of letters.

* PhD in Arabic Language and Literature, Kashan University, talebian,2011@yahoo.com

** Associate Professor in Arabic Language and Literature, Kashan University, saiiadi57@gmail.com

*** Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Kashan University, h,i1361@yahoo.com

Date received: 26/12/2020, Date of acceptance: 10/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هماهنگی آوا و معنا در آیات نفع صور

منصوره طالبیان*

روح‌الله صیادی نژاد**، حسین ایمانیان***

چکیده

رابطه آوا و معنا در نظام قرآن؛ رابطه‌ای اعجازگونه است. بررسی بلاغت قرآن از این منظر، نشان‌گر سبک ویژه قرآن می‌باشد؛ سبکی که با کاربرد عناصر آواساز و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنادار موجود در آواها شکل می‌گیرد و موسیقی و آوای برخاسته از چیدمان هجایی آیات، زمینه تشویق و تهدید مخاطب را فراهم می‌آورد. در این جستار نگارندگان برآندت آیات نفع صور را از منظر معناشناسی آوایی و اکاوی نمایند. پژوهش نشان از آن دارد که کوچک‌ترین واحد آوایی در این آیات، عهده‌دار پیام‌های معنایی است و چیدمان هجایی حروف و طنین الفاظ با معنای آیات ارتباط دارند؛ به گونه‌ای که اگر واج یا واکه‌ایی از واژگان تغییر نماید معنا و مفهوم دیگری برداشت می‌شود. دامنه حضور حروف مجهور و مهموس در این آیات با توجه به سیاق کلام تغییر می‌کند. حضور گسترده مقطع آوایی کوتاه در آیات نفع صور دوم، بر اضطراب و پریشان حالی انسان‌ها به هنگام زنده شدن و برخاستن از خاک قبر اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها: آیات قرآن، نفع صور، آوا، معنا، صفات حروف.

* دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، ایران، talebiyan,2011@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، ایران (نویسنده مسئول)، saiiadi57@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، ایران، h,i1361@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

۱. درآمد

آوا جوهر اصلی زبان است «و هر ملتی اغراض و خواسته‌هایش را با آن بیان می‌دارد» (ابن جنی، دت: ج ۱، ۸)؛ از این رو بررسی آوایی بر دیگر نظام‌های زبانی (واژگانی، صرفی، نحوی) مقدم است. فنوسمانتیک یا معناشناسی آوایی از مهم‌ترین جنبه‌ها و شاخه‌های علم معنی‌شناسی است که از «روند تلفظ، طبیعت و ویژگی آواها سرچشمه می‌گیرد» (عوض حیدر، ۲۰۰۵: ۳۰). الفاظی که انسان در گفتار خود به کار می‌گیرد، آوای صرف نیستند، بلکه آوا و اصواتی معنادار و دلالت‌کننده‌اند که با موسیقی و آهنگ خاصشان ابزاری برای بیان مفاهیم و اندیشه‌های گوینده می‌باشند. پیوند میان موسیقی واژه و معنای آن تا آن اندازه است که موسیقی و آوای واژگان، تصاویری هماهنگ با آوا را در ذهن تداعی می‌کنند. بلاغت‌دانان بر این باورند که «طنین واژه‌ها در گوش، همچون تصاویر در چشم است» (ابن اثیر، ۱۹۷۹، ج ۱: ۲۵۲). این شاخه از علم معناشناسی از پیوند میان آواها و متغیرهای آن، با مدلول‌های معنایی ایجاد می‌شود تا با تصویر سازی ذهنی مفاهیم ذهنی گوینده را به مخاطب القا نماید.

معناشناسی آوایی گاه از خلال دلالت آواهای ترکیبی که شامل همخوان، واکه و انواع آن‌ها است، محقق می‌شود و گاه از خلال دلالت آواهای غیر ترکیبی مانند تکیه، مقطع آوایی و ریتم انجام می‌گیرد. گفتنی است که در یک واژه، گاه تنها یک هم‌خوان، بارمعنایی آن را به دوش می‌کشد؛ به دیگر بیان، اوج قله آوایی واژه تنها در یک واج قرار دارد و گاه بار ارتباط آوایی معنایی واژه، بر دوش دو واج و در برخی از اوقات، همه واج‌های واژه، این بار را به دوش می‌کشند.

دلالت‌های آوایی همخوان‌ها از ویژگی‌های صوتی آن برگرفته شده است؛ زیرا هر یک از حروف، صدای مخصوص دارند که هنگام تلفظ، تکرار و قرار گرفتنشان در کنار دیگر حروف، آوایی را تولید می‌کنند که می‌توانند مفاهیم ویژه‌ای را القا نمایند؛ از این روی واژگان متفاوت، به دلیل داشتن حروف گوناگون، معانی مختلفی را القا می‌نمایند، چنان که «اگر آواهای مندرج در واژگان، دارای صفت شدت و جهر باشند بر معنای قوت دلالت می‌کنند و اگر آواها، سست و نرم باشند، معنا نیز نرم و سست خواهد بود» (مطر، ۱۹۹۸: ۴۷)؛

شایان ذکر است که روح انسان ارتباط محکمی با آوا دارد؛ زیرا آثار احساسات و عواطف ادیب، در آوا و سبک بیان آشکار می‌شود. برخی از آواها روح را به طرب می‌اندازند و شادی و سرور را به انسان می‌بخشند و بعضی از آواها، غم و اندوه را القا می‌کنند و برخی دیگر بیانگر درد و آشفتگی هستند؛ از این روی ادیب با دقت، آواها را انتخاب می‌نماید تا احساسات و عواطف وی را بیانگر باشند، که تحلیل آواها در کلام او، مخاطب را در کشف زیبایی‌های زبانی و کشف واکنش‌های روحی و عاطفی پنهان ادیب، مدد می‌رساند.

از آن‌جا که تاکنون پژوهش جامع و مستقلی در زمینه معناشناسی آوایی در آیات نفخ صور انجام نشده، پژوهشگران بر آنند تا در این جستار با انجام مطالعات کیفی و با درپیش گرفتن روش توصیفی - تحلیلی در پرتو آوا - معنایی آیات نفخ صور اول و دوم مورد بررسی قرار دهند. البته با مدنظر قرار دادن پرسش‌هایی از جمله:

۱. چیدمان حروف هجایی و طنین الفاظ چه ارتباطی با معانی آیات دارد و در رسانگی مفهوم آیات نفخ صور مؤثر است؟
۲. مقطع‌های آوایی و حرکات حروف در آیات نفخ صور دوم چه تأثیری در معنای واژگان و سپس در مخاطب دارد؟
۳. چگونه صفات حروف در ترسیم و تجسیم صحنه‌های نفخ صور اول نقشمند است؟

۲. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در خصوص معناشناسی و آواشناسی به زبان عربی و فارسی صورت گرفته است که عمدتاً به بحث‌های نظری و تحلیل در این باب پرداخته‌اند از جمله: مقاله «المستوی الصوتی فی قراءات سورة عبس مقاربه دلالية علی ضوء النبر و التنغیم» به قلم محمد جعفر، (۲۰۰۷)، نویسنده در این پژوهش بحث را در دو چهارچوب نظری و عملی تقسیم کرده و با تعریف دو اصطلاح تنغیم و نبر به تطبیق عملی آن در آیات سوره عبس پرداخته است. مقاله «دلالة الأصوات فی فواصل آیات جزء عم دراسة تحليلية» به نگارش محمد رمضان البع، (۲۰۰۹)، در این مقاله پژوهشگر با خوانش آماری به تبیین آواهای فاصله آیات در جزء سی قرآن کریم می‌پردازد و رابطه آواها و سیاق آیه را بیان می‌کند.

مقاله «دلالت آوایی در آیه‌های وعد و وعید قرآن کریم» از محمد خاقانی و یوسف فضیلت، (۱۳۹۳) نویسندگان در این پژوهش با بررسی آیات وعد و وعید از منظر معناشناسی آوایی با بیان زیبایی‌های فنی و موسیقایی این آیات، کارکرد مهم آوا را در رسانایی مفهوم آیات تبیین می‌کنند. همچنین پژوهشی با عنوان «بررسی دلالت‌های آوایی سوره‌های مزمل و مدثر» به نگارش لیلا موسوی (۱۳۹۵)، این پژوهش آواهای موجود در آیات دو سوره را با تکیه بر اسلوب تکرار، مورد بررسی قرار می‌دهد و صفات اصلی و فرعی آواها، نوع هجاها، حرکات را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین در مقاله «زیباشناسی ضرب‌آهنگ در سوره‌های نازعات و تکویر» به نگارش عیسی متقی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، نگارندگان این مقاله به مسأله ارتباط ضرب‌آهنگ و معانی نهفته در آیات دو سوره توجه دارند. بیش‌تر توجه نویسندگان به واژه فاصله است و در یک خوانش آماری به تحلیل انواع فواصل براساس حرف روی، وزن و اطلاق و تقیید می‌پردازند. نویسندگان بر تکرار برخی آواها (بی‌واک، واکدار، انفجاری، سایشی و ...) در بافت آیات تمرکز دارند و در هر بخش به ذکر یک نمونه از سوره نازعات و تکویر اکتفا نموده‌اند و از سطح فونولوجی (Phenology) و فونوتیک (phonetics) فراتر نرفته‌اند، اما نویسندگان جستار پیش‌رو تمام مؤلفه‌های علم آواشناسی را به صورت عینی، ملموس و کاربردی فرادید مخاطب قرار می‌دهند. و با تطبیق اصول و پارادایم‌های معناشناسی آوایی در آیات نفع‌صور، به تبیین و نقش تمام آواها، حرکات و صفات حروف، در تصویرپردازی معنا و مفهوم آیات با خوانش آماری می‌پردازند. همچنین آیاتی که پژوهش حاضر براساس آن انجام می‌پذیرد تاکنون از زاویه‌ی معناشناسی آوایی مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است.

۳. مفاهیم اصلی پژوهش

۱.۳ مقطع‌های آوایی

مقطع (Syllable) کوتاه‌ترین زنجیره آوایی یکپارچه است که با یک دم زدن بی‌فاصله و قطع، ادا می‌شود و از پیوست آن با مقاطع دیگر، واژه تشکیل می‌گردد. در حقیقت مقطع، همان مدت زمانی است که طول می‌کشد تا دستگاه گفتار بسته شود و در تلفظ و اداء حروف توقف نماید (غریب قادر، ۲۰۱۱: ۱۰۸)؛ به بیان ساده‌تر، هجا یا مقطع یک مجموعه آواییست که با صامت آغاز می‌شود و به دنبال آن مصوت می‌آید و تا پایان واژه ادامه می‌یابد

که گاه به مصوت ختم می‌شود «کَتَب» و گاه به صامت «کَتَب □». لازم به ذکر است که در نظام مقطعی همخوان‌ها با حرف (ص) رمز گذاری و واکه‌ها با حرف (ح)؛ یعنی حرکت، رمز گذاری می‌شوند. زبان‌شناسان مقطع‌های آوایی را بر شش بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. مقطع کوتاه باز: مقطعی است که به مصوت کوتاه پایان می‌پذیرد. سیلاب‌ها در واژه (ک/ت/ب) از این نوع هستند.

۲. مقطع کوتاه بسته: مقطعی است که به صامت ختم می‌شود و از سه آوا (صامت، مصوت و صامت) تشکیل می‌شود. مانند: واژه «لم».

۳. مقطع کوتاه بسته با دو صامت (مزید): مقطعی است که از صامت و حرکت کوتاه و دو صامت ساکن تشکیل شده و این مقطع تنها در هنگام وقف در پایان کلام رخ می‌نماید مانند واژه «بنت» (ص ح ص ص).

۴. مقطع بلند باز: مقطعی است که به مصوت کشیده «الف، واو، یاء» پایان می‌یابد. مانند: واژه «لا»

۵. مقطع بلند بسته: مقطعی است که در آن مصوت کشیده و در پایان آن صامت ساکن با هم جمع شده‌اند مانند واژه «باب» (ب/ا/ب) که این مقطع را با (ص ح ص) رمز گذاری می‌کنیم، که «از سخت‌ترین مقاطع آوایی برای تلفظ است» (أحمد قبه، ۲۰۱۱: ۸۵).

۶. مقطع کشیده بسته با دو صامت (متمادی): مانند نوع قبل به جز آن که پایان آن از دو صامت ساکن تشکیل شده و این امر تنها در هنگام وقف انجام پذیر است مانند واژه قاصّ (ص ح ص ص).

دکتر ابراهیم انیس بر این باور است که سه مقطع (کوتاه باز، کوتاه بسته، بلند باز) در زبان عربی کاربرد بسیاری دارند، اما دو نوع آخر کاربرد کمی دارند و تنها در آخر واژه و در حالت وقف می‌آیند. (انیس، دت: ۹۳) از آن روی که زبان عربی به همنشینی دو صامت، تنها در حالت وقف به سکون بر صامت مشدد اجازه می‌دهد.

۲.۳ صفات حروف

صفت در لغت به معنای «زینت و ویژگی» (ابن منظور، دت: ج ۹، ۳۵۶، ذیل ماده «وصف») و در اصطلاح به «کیفیت تولید و خروج حرف از جایگاه تلفظش» اطلاق می‌شود (طالب‌الابراهیمی، ۱۹۹۴: ۵۷)؛ به دیگر بیان، منظور از صفات آواها، حالت‌ها یا عارضه‌هایی است که برای همخوان‌های یک واژه در هنگام تلفظ رخ می‌دهد. درحقیقت اعضاء نطق در خلال عبور جریان هوا از ریه و از کیسه‌های هوا به حنجره و سپس دهان، حالت و اوضاع گوناگونی را به خود می‌گیرند که بدون شک این حالت‌ها در توصیف ویژگی و صفات آواها مؤثرند.

پژوهش‌گران صفات حروف را به دو دسته تقسیم نموده‌اند؛ یکی صفات عام؛ یعنی صفاتی که از حروف جدا نمی‌شوند و به صورت زوج‌هایی متضاد بیان می‌گردند. از جمله: «جهر، همس/شدت، رخاوت / تفخیم، ترقیق/اطباق، انفتاح / استعلاء، استفال / ادلاق، اصمات». و دیگری صفات خاص، که صفات متضاد ندارند. مانند: «صغیر، تفشی، انحراف، غنه، تکرار، قلقله، خفاء». (بحری، ۲۰۱۰: ۴۹) گفتنی است که هرگاه آوایی، یکی از صفات متضاد را داشته باشد دیگر نمی‌تواند صفت مقابل آن را نیز دارا باشد؛ یعنی جمع بین دو صفت جهر و همس، انفجار و سایش و ... محال است. این صفات ناسازگار در ایجاد تفاوت میان آواها مؤثر هستند؛ چرا که برخی از آواها در همه صفات با یکدیگر هماهنگ هستند مگر در یک صفت که همین امر باعث ایجاد تفاوت میان آن‌ها می‌شود.

زبان‌شناسان قدیم و علمای تجوید بر این باورند که برخی از صفات آواها بر قوت و برخی بر ضعف آوا اشاره دارند. صفاتی چون جهر، شدت، استعلاء، اطاق، اصمات، صغیر، قلقله، انحراف، تکرار، تفشی، و غنه از علامت قوت آواها است. آنگاه که دو یا چند صفت قوت در یک واژه در کنار یکدیگر قرار بگیرند، آن واژه در نهایت قوت و شدت است و درمقابل صفاتی چون همس، رخاوت، استفال، انفتاح، ادلاق، لین و خفاء از نشانه‌های ضعف در آواها به شمار می‌آیند (ابوزید، ۱۹۹۲، ۹۲). و هر اندازه صفات ضعف در آوایی بیش‌تر باشد به همان میزان آوا ضعیف‌تر می‌باشد. حضور آواهای قوت و ضعف در القای معنا و مفاهیم کلام مؤثر هستند.

۳.۳ نفخ صور

صحنه‌های قیامت با صحنه‌ی دمیدن در صور که یک تصویر عینی است آغاز می‌شود و همه چیز را می‌میراند، حرکتش را متوقف و وجودش را پایان می‌بخشد. این نشانه‌ای است بر پایان یافتن جهان محسوس و دنیا با تمام پدیده‌ها و قوانینش. لذا در ذهن آدمی از خلال این تصویر شنیداری، فناى زندگی و نابودى موجودات و جاودانگى ذات حق نقش می‌بندد (الراغب، ۲۰۰۳: ۴۲۲).

«نفخ صور» صیحه‌ای وحشتناک و صدایی مهیب و ترس‌آور است که به وسیله آن، کائنات دگرگون و آثار حیات واژگون می‌شود (کاشفی، ۱۳۸۳، ۶۹)، و یکی از مراحل است که موجودات برای رسیدن به خداوند متعال و بازگشت به سوی او در سیر تکاملی خود از آن باید بگذرند.

صور «شاخی است از نور که حضرت اسرافیل در آن می‌دمد» (مجلسی، دت: ج ۶، ۳۲۱) و خداوند آن را وسیله‌ی بازگشت صورت‌ها و ارواح به اجسامشان قرار داده است. در روایت نقل شده: در این شیپور سوراخ‌هایی است که در آن به تعداد همه‌ی انسان‌ها منفذهایی دارد و ارواحشان در آن جای می‌گیرد و با دمیدن نفخ صور دوم از هر سوراخ و منفذ، روح به جسم خویش باز می‌گردد و جسم به فرمان خداوند زنده می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۰، ۷۰۲). ظاهر آیات و روایات بر ما می‌نمایاند که صور دو نفخه دارد؛ یکی نفخه مرگ و دیگری نفخه حیات.

۴. معنانشناسی آوایی آیات نفخه مرگ

نفخه اول برای میراندن، خاموش ساختن و ساکت کردن موجودات دمیده می‌شود، که قرآن با تعبیر «نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ» تنها در چهار آیه، از آن سخن به میان آورده است (طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۳، ۲۴). این نفخه با بانگ شدید و هول‌انگیزی همراه است، چنانکه همه‌ی هوشیاران مدهوش و صاعقه‌زده می‌شوند. خداوند متعال در سوره حاقه می‌فرماید:

(فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ) (حاقه، ۱۳)

در این آیه آواهای واکدار «ذال، نون، راء، واو، دال» با وضوح آوایشان القاگر بانگ بلند و وحشتناک صور هستند که در آسمان و زمین طنین‌انداز می‌شود و همه مخلوقات با آن

صدای مهیب جان می‌دهند. از آن جا که این آیه، در بیان نفخ صور نازل شده در نگاه اول به نظر می‌رسد که آواهای سازنده آن بیشتر واکدار هستند، لیک با بررسی حروف آن مشخص می‌شود که همخوان‌های بی‌واک «فاء، خاء، صاد، تاء، حاء و هاء» حضور گسترده‌ایی دارند و ۶۴٪ آواها را تشکیل می‌دهند، که این فراوانی آواهای بی‌واک در خدمت القای معنا قرار گرفته است؛ و بر مرگ، سکون و بی‌حرکتی مخلوقات بعد از صور اول اشاره دارد.

در این آیه با انتخاب مصدر از جنس فعل، حروف «نون، فاء و خاء» تکرار شده‌اند که هر کدام از این حروف، صحنه‌ای از دمیدن در صور را به نمایش می‌گذارند. «نون» از حروف واکدار، دندانی، لثه‌ای و خیشومی است که با خروج هوا از دهان و بینی تلفظ می‌شود و نوعی انتزاع را تداعی می‌کند (سلطان‌القصیر، ۲۰۰۶: ۱۲۰)، که با برکندن و گرفتن جان انسان‌ها بعد صور اول تناسب دارد. با تلفظ آوای «فاء»، نفس انتشار می‌یابد (الصیغ، ۱۹۹۸: ۱۷۳)؛ که تکرار آن، پراکندگی و گستردگی ندای حضرت اسرافیل (ع) را القا می‌کند که در گوش همه آسمانیان و زمینیان طنین انداز می‌شود و آوای «حاء» با صفت استعلاء و تفخیم، دلالت بر قطعی بودن حادثه دارد و تصویر دمیدن شدید و سخت را از مکانی بلند، به نمایش می‌گذارد.

آوای صغیری «صاد» با صفات اطلاق، تفخیم و استعلاء، نسبت به دیگر حروف صغیر، قوی‌تر است که حضور شدید بر روی این آوا در واژه «صور»، بر قوت و شدت معنایی آن می‌افزاید (یاسمینه، ۲۰۱۶: ۲۹). آوای «صاد» با صفات و القائاتش و حضور مصوت کشیده «واو» در کنار آن، زمینه کشش و استمرار آوایی را فراهم می‌آورد و حادثه نفخ صور را مجسم می‌کند که گوش‌ها را می‌خراشد و کر می‌نماید، و حضور آوای «راء» با صفت تکرارش این واژه را برجسته می‌کند و جنبه موسیقی کلام را بالا می‌برد.

زبان‌شناسان بر این باورند که مقطع آوایی کوتاه (ص ح)، مقطعی ضعیف است (حسن صالح، ۲۰۱۲: ۱۵۲). حضور گسترده مقطع کوتاه در این آیه با ضعف و ناتوانی انسان در برابر فرمان بی‌چون و چرای الهی هماهنگ است. همچنین شدت و بلندی ندای نفخ صور، در سنگینی زبان به هنگام تلفظ مقطع‌های کوتاه و پی در پی در ابتدای آیه (ف/ا/ن/ف/خ/ر) و طولانی بودن بسته شدن لبها در ترکیب (نفخه واحده) با ادغام «نون» ساکن به «واو» و تلفظ مشدد «واو» نمایان است.

خداوند متعال در آیه دیگری در اشاره به نفع صور اول می‌فرماید: (مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ) (یس، ۴۹) در این آیه واژه «صیحه» کاربرد یافته که در مقایسه با واژه «نفعه» در آیه قبل از شدت آوایی کم‌تری برخوردار است؛ زیرا صفات قوت تنها در آوای «صاد» حضور دارد. همخوان «صاد» که با تلفظ آن صدا در فضاء منتشر می‌شود با معنای دمیدن در صور هماهنگی دارد و حضور صفات صغیر، جهر و استعلاء در این حرف، نمایانگر آوای صیحه در بالاترین درجه قوت است. حروف «حاء» و «تاء» واکدار در پایان این واژه اشاره به سکوت و آرامشی دارد که بعد از نفع صور، سرتاسر عالم را فرامی‌گیرد.

در این آیه مخاطب دائماً از مقطع آوایی کوتاه باز (ص ح) به مقطع آوایی متوسط بسته (ص ح ص) در حرکت است که این دو مقطع با بسامد نزدیک به هم در بافت آیه تکرار شده‌اند. از آنجا که مقطع آوایی کوتاه، ضعیف است و همچنین مقطع آوایی متوسط بسته از یک حرکت کوتاه تشکیل شده که به دنبال آن تنها یک صامت بدون حرکت ذکر می‌شود و زمان نطق آن بسیار کوتاه است. این مقطع از مقاطع ضعیف به حساب می‌آید (النوری، ۱۹۹۶: ۲۴۰). شناور بودن آیه، در این دو مقطع باز و بسته با مفهوم آیه تناسب دارد و سریع، ناگهانی و غافلگیرانه بودن امر قیامت و ضعف و ناتوانی انسان را در برابر اراده خداوند به تصویر می‌کشد. گفتنی است که مقطع آوایی بسته که نفس با تلفظ آن قطع می‌شود قوت و شدت حادثه نفع صور را به خواننده القا می‌کند و به نفس‌های قطع شده مخلوقات بعد صور اول اشاره دارد.

حروف واکدار در این آیه دامنه گسترده‌ایی را به خود اختصاص داده‌اند و ۶۲٪ آواها را تشکیل می‌دهند؛ حال آن‌که حروف بی‌واک، شامل آواهای «صاد، حاء، تاء، حاء، هاء» می‌باشند. همنشینی آواهای واکدار و بی‌واک در این آیه القاگر فریاد عظیم آسمانی است که به واسطه آن همه در یک لحظه کوتاه، در همان مکان و همان حالتی که هستند قبض روح می‌شوند، و زندگی پر غوغای مادی آن‌ها که معرکه دعواها و میدان جنگ دائمی آنان است جای خود را به دنیایی خاموش و خالی از هر سر و صدا می‌دهد.

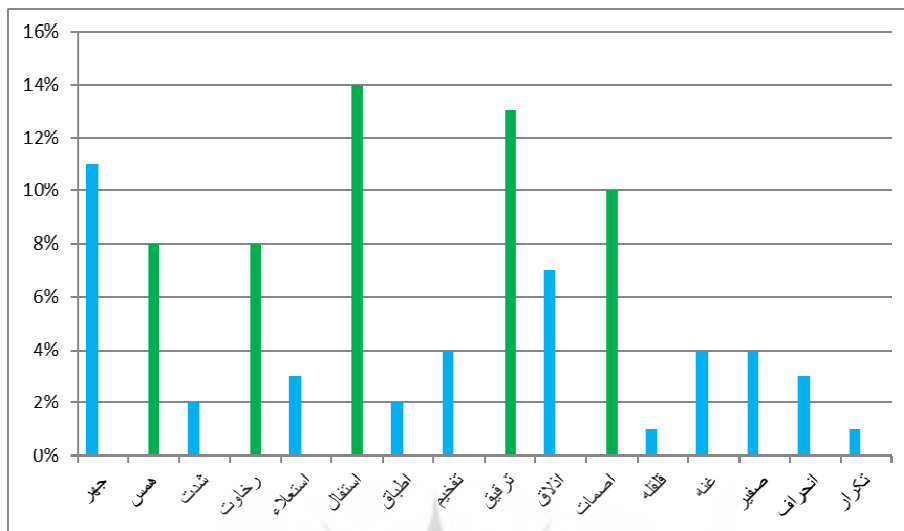
شایان ذکر است که واکه‌ها در موسیقی داخلی کلام تأثیر بر جای می‌نهد. واکه‌ها دارای مفاهیمی مستقل و خاص هستند، که کوتاهی و بلندی‌شان موجب نشانه‌های حرکتی در ساختمان واژه می‌شود و بر معنای دریافتی از آن واژه تأثیرگذار است. چنان‌چه پژوهش‌گران

بر این باورند که مصوت‌های بلند (Vowels long) حالت ثبوت و مصوت‌های کوتاه (short Vowels) تغییر و حرکت را القا می‌کنند (زارعی فر، ۲۰۰۷: ۳۴). در حقیقت توالی حرکات و تکرار آن‌ها در بافت واژگان، القاگر مفاهیم کلام است و تصاویر معنایی را در مقابل خواننده ترسیم می‌کند. برای نمونه در دو آیه (وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي السُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ) (نمل، ۸۷) (وَنُفِخَ فِي السُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ) (زمر، ۶۸) توالی حرکت فتحه در واژگان (فَفَزِعَ، فَصَعِقَ) و تکرار این واکه در بافت آیات، آهنگ سریعی را به وجود آورده؛ از آن روی که فعالیت و تلاش اندام‌های گفتاری با واکه فتحه، بسیار اندک و نسبت به دیگر حرکات، شدت کم‌تری دارد، نطق آن سریع و آسان است و معنای سرعت را القا می‌کند (قویدر، دت: ۵۵) در این دو آیه حرکت فتحه، سرعت تأثیر ناشی از نفخ صور را به تصویر می‌کشد، که در آیه اول سرعت ترس و وحشت و در آیه دوم سرعت مدهوش شدن و سرگردانی را مجسم می‌نماید. با دقت در الفاظ «فَفَزِعَ، فَصَعِقَ» آشکار می‌شود که مقطع‌های آوایی این دو واژه، کوتاه (ص ح) است و این مقطع در بافت مقطعی دو آیه دامنه گسترده‌ایی را به خود اختصاص داده است که کوتاهی بقا و زندگی در دنیا، سرعت از هم گسیختگی نظام آفرینش و ضعف مخلوقات را در مقابل عظمت خداوند به نمایش می‌گذارد.

صفات حروف آیات این نفخه با بررسی آماری در قالب جدول و نمودار در ذیل ارائه شده است:

جدول ۴. صفات حروف آیات نفخ صور اول

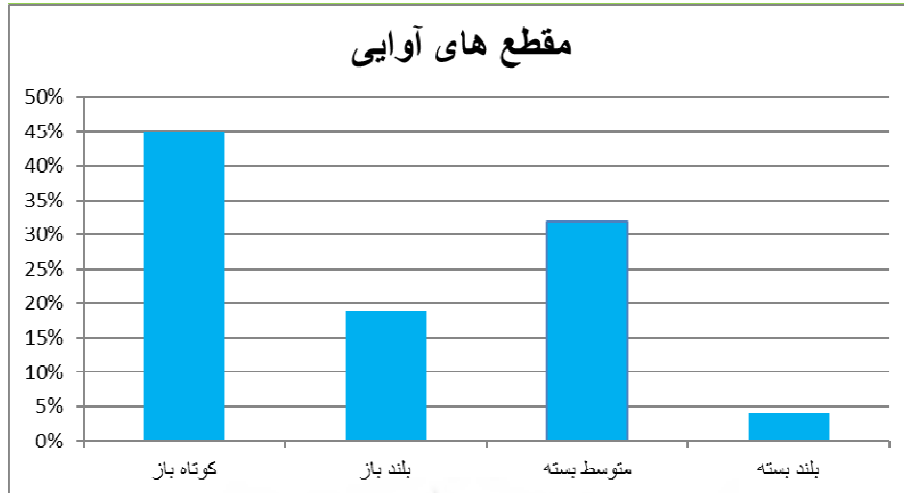
ردیف	صفات حروف	تعداد	درصد	ردیف	صفات حروف	تعداد	درصد
۱	جهر	۷۲	٪۱۱/۵۹	۹	ترقیق	۸۶	٪۱۳/۸۴
۲	همس	۵۳	٪۸/۵۳	۱۰	اذلاق	۴۴	٪۷/۰۸
۳	شدت	۱۷	٪۲/۸۳	۱۱	اصمات	۶۶	٪۱۰/۶۲
۴	رخاوت	۵۰	٪۸/۰۵	۱۲	قلقله	۴	٪۰/۶۴
۵	استعلاء	۲۱	٪۳/۳۸	۱۳	غنه	۲۵	٪۴/۰۲
۶	استفال	۸۹	٪۱۴/۳۳	۱۴	صفیر	۳۰	٪۴/۸۳
۷	اطباق	۱۳	٪۲/۰۹	۱۵	انحراف	۲۰	٪۳/۲۲
۸	تفخیم	۲۵	٪۴/۰۲	۱۶	تکرار	۶	٪۰/۹۶



نمودار ۳. صفات آیات نفع صور اول

جدول ۳. مقطع‌های آوایی آیات نفع صور اول

ردیف	مقطع‌های آوایی	تعداد	درصد
۱	کوتاه باز (ص ح)	۵۰	٪۴۵
۲	متوسط باز (ص ح ح)	۲۱	٪۱۹
۳	متوسط بسته (ص ح ص)	۳۵	٪۳۲
۴	بلند بسته (ص ح ح ص)	۵	٪۴



نمودار ۲. مقطع های آوایی آیات نفخ صور اول

با دقت در جدول و نمودار مقطع های آوایی آیات نفخ صور اول، بدین برداشت می‌رسیم که مقطع کوتاه باز در بافت آیات بیشتر از مقاطع دیگر تکرار شده‌اند که این امر بر کوتاهی دنیا و عدم جاودانگی آن اشاره دارد که به سرعت بعد از نفخ صور نظام آن از هم پاشیده می‌شود. همچنین مقطع آوایی متوسط بسته نسبت به مقطع متوسط باز حضور بیش تری در آیات دارد که «نفس با تلفظ آن قطع می‌شود و امتداد نمی‌یابد» (عبد الرحمن، ۲۰۰۶: ۲۲). سیمای تلفظ این مقطع، قوت و شدت این حادثه را به خواننده القا می‌کند و به بند آمدن نفس‌ها به هنگام نفخ صور اول اشاره دارد که خلائق توان نفس کشیدن را از دست می‌دهند و مرگ طومار زندگی آنان را در هم می‌پیچد.

۵. معنانشناسی آوایی آیات نفخه حیات

صور دوم برای زنده ساختن و برانگیختن، دمیده می‌شود که نفخه قیام و برپا گشتن قیامت است. با این دمیدن مردگان از قبرها برمی‌خیزند، ترس و اضطراب همه وجودشان را فرا می‌گیرد و در انتظار سرنوشت خویش هستند. قرآن کریم با تعبیر گوناگون در بیش از ده آیه به این نفخه اشاره نموده است. خداوند متعال در سوره کهف می‌فرماید:

(وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا) (آیه ۹۹)

در روزی که صور دوم دمیده می‌شود ما مخلوقات را حیات نوین می‌بخشیم. آنان از شدت ترس و اضطراب بسان دریای طوفانی آشفته می‌شوند، و مانند آب دریا به روی هم می‌ریزند و یکدیگر را از خود می‌رانند، سپس ما آنان را در صحرای محشر جمع می‌کنیم.

حضور آواهای انفجاری «جیم، باء، ضاد، تاء، کاف و همزه» در بخش آغازین آیه و قدرت موجود در تولید آواهای انفجاری که حاصل حبس کامل هوا در قسمتی از دهان و رهش ناگهانی آن است» (البع، ۲۰۰۹: ۲۱). تصویر محبوس بودن انسان‌ها در قبرها و زنده‌شدن ناگهانی آنان را بعد از نفخ صور ترسیم می‌کند.

شایان ذکر است که آوای «تاء» بر اضطراب و جنبش دلالت دارد (العلایلی، دت: ۲۱۰) و هم‌خوان «راء» با صفت تکرار و آوای «باء» و «جیم» با صفت قلقله معنای اضطراب و حرکت را القا می‌کنند. حضور این آواها در این آیه با معنا و مفهوم آن کاملاً تناسب دارد و صحنه جنب و جوش، اضطراب و ترس انسان‌های از خاک برخاسته را ترسیم می‌کند که آنان چون موج خروشان در هم می‌شوند؛ به دیگر بیان هماهنگی همخوان‌ها در کنار یکدیگر، به خوبی تأثرات روحی انسان را به نمایش می‌گذارد که چگونه، آشفته‌گی سراسر جان او را در برمی‌گیرد و ترس و اضطراب بر او حاکم می‌شود. همچنین آواهای واکنش در این آیه ۶۹٪ آواها را به خود اختصاص داده‌اند که حرکت و ارتعاش تارهای صوتی در این آواها حالت نفسانی و روحی انسان‌های از خاک برخاسته و عدم استقرار و ثبات آنان را منعکس می‌کند.

در قسمت پایانی این آیه، با گزینش مصدر از جنس فعل، آواهای «جیم، میم، عین» تکرار شده که هر کدام از این آواها صحنه‌ای را به نمایش می‌گذارند. صامت «جیم» از هم‌خوان‌های انفجاری است که «با اتصال دو عضو و حبس هوا و ناگهان جدا شدن دو عضو و خروج هوا تولید می‌شود» (مالبرج، ۱۹۸۴: ۱۱۴) این انفجار و جدایی دو عضو، تصویر جدایی و شکاف زمین و خروج قبرها را به نمایش می‌گذارد. پژوهشگران بر این باورند که آوای «جیم» از سخت‌ترین همخوان‌ها در زبان عربی از لحاظ تلفظ و در گوش از واضح‌ترین آن‌ها است (أحمد قیها، ۲۰۱۱: ۴۱)؛ از آن روی که آوایی مرکب؛ یعنی انفجاری و سایشی است (زندی، ۱۳۷۱: ۷۸) این آوا با سختی تلفظش بر بزرگی و شدت

جمع مخلوقات در روز حشر دلالت دارد. صفت قلقله در آوای «جیم» ترس و اضطراب مردم به هنگام جمع شدن در صحرای محشر را به نمایش می‌گذارد.

هم‌خوان «میم»، آوایی شدید است که از دیگر آواها با قوت شنیداریش متمایز می‌شود. این آوا بر عظمت و قطعیت، (العقاد، دت: ۴۶) جمع و اجتماع دلالت دارد (العلایلی، دت: ۲۱۱)؛ از آن روی که در هنگام تلفظ دو لب بر روی یکدیگر بسته می‌شوند و جریان عبور هوا از دهان قطع می‌گردد. هم‌خوان «میم» در این آیه بر عظمت حشر و جمع مخلوقات در روز قیامت اشاره دارد و بسته شدن لب‌ها در این آوا، جبر و اکراه خلاق را در برخاستن از خاک گور و جمع شدن در پیشگاه خداوند را به تصویر می‌کشد.

آوای «عین» با تصویر این حادثه سخت و شدید هماهنگ است و رنگ و بوی شدت و خشونت را بر آن می‌افزاید که این امر به دلیل طبیعت تولید و تلفظ این آوا است؛ چرا که «در هنگام فراگویی آن، هوا با عبور از حنجره دفع می‌شود و تارهای صوتی را به ارتعاش در می‌آورد تا به وسط حلق می‌رسد محل جریان هوا تنگ می‌شود» (انیس، دت: ۷۵). این تنگی مخرج «عین» در هنگام تلفظ بر تنگ حالی، پریشانی و ترس مردم در هنگام جمع شدن در صحرای محشر دلالت دارد. قرآن کریم از نفخ صور دوم با تعبیر گوناگونی مانند: «ناقور»، «زجره»، «صاخه» و «صیحه» یاد نموده که از لحاظ دانش آواشناسی معنایی، شایان توجه است. در سوره مدثر خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

(فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ) (آیه ۸)

واژه «ناقور» از ریشه «نقر» به نوعی از کوبیدن اطلاق می‌شود که به سوراخ شدن می‌انجامد، و «منقار» پرندگان که وسیله کوبیدن و سوراخ کردن اشیاء است از همین معنی گرفته شده است. لغت شناسان به شیپوری که صدای آن، گوش انسان را سوراخ می‌کند و در مغز فرو می‌رود "ناقور" می‌گویند (مکارم، ۱۳۷۱: ج ۲۵، ۲۱۸). در این آیه، دو واژه «نُقِرَ» و «ناقور» به جای الفاظ «نُفِخَ» و «صور» کاربرد یافته‌اند که چینش حروف آن شدت و کوبندگی صدای شیپور حضرت اسرافیل (ع) را بیشتر القا می‌کند. در حقیقت چینش آوایی، صفت و مخارج حروف و تکرار آواها، با معنا و مفهوم آیه، انسجام و هماهنگی دارند.

در بافت این آیه حروف «نون»، «قاف» و «راء» تکرار شده که هر کدام از این حروف، صحنه‌ای از دمیدن در صور را به نمایش می‌گذارند. پژوهشگران بر این باورند که آوای پرتین «نون» دارای وضوح شنیداری است که بر قطعی و حتمی بودن امر دلالت دارد

(سلطان القصیر، ۲۰۰۶: ۱۲۰). حضور این آوا، در آغاز واژه «نقر و ناقور» قطعیت زنده شدن مردگان و آفرینش دوباره آنان را با نفخ صور دوم اثبات می‌کند.

آوای «قاف» از حروف انفجاری و واکنش‌دار زبان عربی است که در هنگام تلفظ، فشار و گرفتگی شدیدی در حنجره ایجاد می‌کند (انیس، دت: ۷۳) این آوا با صفت استعلاء و تفخیمش، بیانگر شدت، خشونت و سنگینی است (عباس، ۱۹۹۸: ۱۴۲) و بر معنای شکفتن، شکافتن و شکستن دلالت دارد (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۱۹۰) که در این آیه، دو تصویر را در ذهن تداعی می‌نماید؛ یکی شدت کوبندگی و بلندی بانگ صور، بانگ و آوایی که پرده گوش را می‌شکافد و کر می‌سازد و دیگری، صحنه شکافته شدن زمین و بیرون آمدن مردگان از قبرها بعد از شنیدن ندای صور. شایان ذکر است که قرار گرفتن تکیه در دو واژه «نقر» و «ناقور»، بر روی حرف «قاف» و کاربرد واج واکنش‌دار و تکراری «راء» که با لرزش زبان و ارتعاش تارهای صوتی همراه است، لرزش و اضطراب انسان به هنگام زنده شدن را القا می‌کند و تصویر لرزش و تکان‌های شدید و هولناک زمین برای شکافته شدن قبرها را ترسیم می‌نماید.

آوای «فاء» در واژه نخست و میانی این آیه ذکر شده است. به هنگام تلفظ این آوا، نفس به صورت ضعیف و سست به بیرون منتشر می‌شود؛ از این روی بر پراکندگی و انتشار دلالت دارد (بوزیدانی، ۲۰۰۸: ۲۷۴) در حقیقت آوای «فاء»، با اشاره به انعکاس بانگ صور اسرافیل در کل هستی، صحنه پراکندگی و سرگردانی انسان‌ها را بعد از زنده شدن مجسم می‌سازد. با دقت در حروف این آیه، آشکار می‌شود که تنها همخوان «فاء» دارای صفت همس است و بقیه حروف با بسامد ۹۸٪ واکنش‌دار می‌باشند. همچنین ۶۵٪ صفات حروف را صفات قوت تشکیل می‌دهد که این شدت و قوت آوایی، با معنا و مفهوم آیه در بیان حادثه نفخ صور و شدت آن ارتباط تنگاتنگی دارد.

واژه «الناقور» در این آیه به عنوان فاصله‌گزینش شده که در هنگام وقف، حرکت همخوان «راء»، با علامت سکون قرائت می‌شود و مقطع آوایی آن با صامت پایان می‌یابد و به مقطع کشیده بسته (ص ح ح ص) تبدیل می‌شود. در روایت نقل شده است که «شیبور حضرت اسرافیل یک سر و دو شاخه دارد که فاصل میان این دو شاخه با یک‌دیگر مانند فاصله آسمان تا زمین است» (مکارم، ۱۳۷۱: ج ۱۹، ۵۳۶) حضور آوای کشیده در این

مقطع و احاطه آن با دو صامت، تصویر این روایت را به نمایش می‌گذارد. و از آنجا که نفس با تلفظ این مقطع بسته، قطع می‌شود به قوت و شدت حادثه اشاره دارد.

در آیه دیگری، خداوند متعال می‌فرماید:

(فَأَنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ) (نازعات، آیه ۱۳)

واژه «زجره» در لغت به معنای راندن با آواز و نهیب است (ابن منظور، دت: ج ۴، ذیل ماده «زجر») و بر کلامی آمرانه یا نهی گونه اطلاق می‌شود که در حالت خشم و عصبانیت بر زبان جاری شود (طبرانی، ۲۰۰۸: ج ۸، ۳۱۶) در این آیه با واژه «زجره»، از فرمان خداوند در تکوین و آفرینش اجساد مردگان تعبیر شده تا تصویری از معنای چیرگی فرمان الهی و سرعت در آفرینش دوباره مردگان را به نمایش گذارد؛ به دیگر بیان

تعبیر «زجره واحده» اشاره به سرعت و ناگهانی بودن رستاخیز و آسانی آن در برابر قدرت خدا است که با یک فریاد آمرانه از سوی فرشته رستاخیز همه مردگان لباس حیات بر تن می‌کنند و در عرصه محشر برای حساب حاضر می‌شوند (مکارم، ۱۳۷۱: ج ۲۶، ۸۷).

شایان ذکر است که واژه «زجره» با واژه «الصیحه» هم‌معنا هستند، لیکن برای هماهنگی و انسجام آوایی کلام با سیاق و معنای این آیه و آیات قبل، و ایجاد ترس در دل انکارکنندگان روز رستاخیز، واژه «زجره» در بافت این آیه، کاربرد یافته است (قطب، ۱۴۲۵: ج ۶، ۳۸۱۳). درحقیقت حروف تشکیل دهنده این واژه همگی دارای صفات قوت هستند؛ یعنی «زای» واکدار و صغیری، «جیم» با صفت جهر و قلقله، «راء» واکدار و تکراری و «تاء» انفجاری است که قابل مقایسه با آوای واژه (صیحه) نیستند؛ چرا که دو واکه (صاد، حاء) بی‌واک و ضعیف می‌باشد. همچنین کلمه «زجره» برخلاف واژه «صیحه» معنای طرد نمودن با خشم را در خود دارد.

از ویژگی‌های آوای «زای»، جهر و ارتعاش تارهای صوتی در هنگام تلفظ است، که حضور این آوا در واژه «زجره» با سیاق کلام هماهنگ آمده تا بعد آوایی متناسب با تصویر این حادثه‌ی اضطراب‌انگیز را بیافریند و فریاد و نهیب بلند حضرت اسرافیل را مجسم سازد. آوای جیم از سخت‌ترین صامت‌های عربی در تلفظ و واضح‌ترین آن‌ها در گوش است (أحمد قبه، ۲۰۱۱: ۴۱) که بر خشونت، عظمت و بزرگی دلالت دارد (عباس، ۱۹۹۸: ۱۱۳). و از آنجا که واژه «زجره» به معنای راندن کسی با آواز و نهیب خشم‌آگین است واج «جیم»

معنای خشونت را به زیبایی در این واژه ترسیم نموده و به خاطر سختی تلفظش، بزرگی و عظمت فرمان خداوند برای زنده شدن مردگان و جمع شدن استخوان‌های پوسیده را القا می‌کند.

کاربرد واج واکدار و تکراری «راء» که با لرزش زبان و ارتعاش تارهای صوتی همراه است، نشان از لرزش و اضطراب انسان به هنگام شنیدن فرمان آمرانه اسرافیل، و انتقال از عالم مرگ به عالم حیات و از باطن زمین به روی زمین دارد که حضور آوای انفجاری «تاء» تصویر انفجار زمین و شکافتن و باز شدن قبرها را در ذهن تداعی می‌کند. هم‌چنین تنوین ضم بر روی این واژه خودنمایی می‌کند، ضمه از اصواتی است که در درون حفره دهان تولید می‌شود گویی حضور این مصوت در کنار همخوان «واو» در واژه بعد، که برای تلفظ آن مستلزم خروج ناگهانی هواست، زنده شدن مردگان و خروج آن‌ها از گودال تاریک قبر را در ذهن ترسیم می‌کند.

با بررسی مقطع‌های آوایی در این آیه بدین دریافت می‌رسیم که مقطع کوتاه باز (ص ح) ۵ مرتبه، و مقطع متوسط بسته (ص ح ص) ۴ مرتبه، در بافت کلام تکرار شده‌اند، که این دو مقطع نسبت به مقطع کشیده باز (ص ح ح) با سرعت بیشتری تلفظ می‌شوند، بنابراین حضور ۹ مقطع با ویژگی سرعت، «اشاره به سرعت و ناگهانی بودن رستاخیز و سهولت و آسانی آن در برابر قدرت خداوند است» (مکارم، ۱۳۷۱: ج ۲۶، ۸۶).

در آیه دیگر از قرآن کریم می‌خوانیم:

(يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ) (ق، آیه ۴۲)

منظور از واژه «الصَّيْحَةُ» نفخ صور دوم است که در این آیه در ساختار معرفه بیان شده. گفتنی است که واج «صاد» از حروف شمسی است، هنگامی که حروف شمسی در آغاز واژه قرار گیرند و با (ال) معرفه شوند حرف تعریف تلفظ نمی‌شود و حرف پایانی واژه قبل با حرف اول واژه به صورت متصل قرائت می‌شود. این شیوه قرائت بر مقطع‌های آوایی تأثیر می‌گذارد و در القای معنا مؤثر است؛ به دیگر بیان اگر واژه «صیحه» در بافت آیه به صورت نکره تلفظ می‌شد مقطع‌های آوایی آن (ص ح ص / ص ح / ص ح ص) بود، لیکن حضور (ال) تعریف بر سر این واژه ساختار مقطع‌ها و تعداد آن‌ها را تغییر داده و به صورت متصل با واژه قبل؛ یعنی (ص ح ص / ص ح ص / ص ح) بیان می‌شود که تعداد این مقاطع حکایت از گستردگی این بانگ و صیحه در مدت زمان و مکان طولانی دارد، نهبیی

که همه هستی را فرا می‌گیرد؛ زیرا «طول کلمه از نظر مقطع و حروف، دایره تصویر را از حیث زمان و مکان گسترش می‌دهد» (راغب، ۲۰۰۳: ۵۰۲). این نکته نیز قابل ذکر است که دو مقطع کوتاه باز (صح) و متوسط بسته (صحص) بر سرعت دلالت دارند که هم‌نشینی این مقطع‌ها در کنار یکدیگر و تکرار آن‌ها در این واژه بر سرعت انعکاس صدای صور در آسمان و زمین دلالت می‌کند که «توالی مقطع‌های آوایی کوتاه و متوسط تلفظ را سنگین و سخت می‌کند» (عجولی، ۲۰۱۴: ۱۶۴). این دو مقطع در بافت آیه ۱۶ مرتبه ذکر شده و توالی آن‌ها در تلفظ سنگینی و ثقل ایجاد کرده که سختی خارج شدن انسان‌ها از قبرها و بزرگی واقعه حشر را توصیف می‌نماید، همچنین این صحنه را در ذهن ترسیم می‌کند که به محض شنیدن بانگ و صیحه، انسان‌ها از قبرها برمی‌خیزند و در مقابل پروردگار در صحنه قیامت حاضر می‌شوند؛ به دیگر بیان بر سرعت حضور در صحرای محشر اشاره دارد و بزرگی این واقعه را وصف می‌کند.

آوای صفیری «صاد» به خاطر دارای بودن صفات اطباق، استعلاء و تفخیم از دیگر حروف صفیری قوی‌تر است. «آنگاه که این آوا مشدد خوانده شود بر قوت و شدت بیش‌تری دلالت می‌کند» (یاسمینه، ۲۰۱۶: ۲۹) آهنگ و صفیر بلند این همخوان در واژه «الصيحة»، منجر به آگاهی و هوشیاری خواننده یا شنونده به معنای پنهان در متن می‌شود، درحقیقت کاربرد این آوا نشانگر صدای صیحه در بالاترین درجه قوت است آوایی بلند که از پژواک آن قرار است مردگان زنده شوند، که در یک صیغه ترس‌آور و در سیاق و عید آمده است. شایان ذکر است که صفت همس و سایش در همخوان «صاد» بر انتشار و پراکندگی (سلطان‌القصیر، ۲۰۰۶: ۱۵۲) این بانگ و فریاد در کل هستی دلالت می‌کند.

در این آیه حرکات کشیده تنها ۳ بار در بافت آیه حضور دارند، حال آنکه حرکات کوتاه دامنه گسترده‌ایی را به خود اختصاص داده‌اند، کاربرد حرکات کوتاه سبب سرعت در ادای واژگان شده و ریتم آیات را تند نموده است که سریع ادا شدن واژگان حکایت از نزدیک بودن حادثه نفخ صور و برپایی قیامت دارد.^(۱) با دقت در آیه بدین دریافت می‌رسیم که حرکت فتحه ۱۲ مرتبه، ضمه ۴ مرتبه و کسره ۴ مرتبه ذکر شده‌اند، واضح و آشکار است که واکه درخشان فتحه از بسامد بیشتری نسبت به دیگر واکه‌ها برخوردار است و برای بیان فریاد و صداها، بلند، هیاهو، خشم، خشونت و توصیف مناظر پرشکوه طبیعت یا عظمت و بزرگی کاربرد می‌یابد (قویمی، ۱۳۸۳: ۳۴). که حضور این واکه با معنا و مفهوم آیه هماهنگی

و سنخیت دارد و از آنجا که در هنگام تلفظ آن دهان به صورت گسترده باز می‌شود، امتداد و گستردگی صیحه را تداعی می‌کند.

آیه مورد نظر با عبارت «یوم الخروج» که یکی از اسماء قیامت است، پایان می‌یابد آواهای تشکیل دهنده این واژه با ویژگی و صفات آوایشان، تصویر برخاستن انسان‌ها از قبر را به نمایش می‌گذارند. آوای رخوی و بی‌واک «حاء»، بر «انتشار، نابودی و متلاشی شدن» دلالت دارد (عباس، ۱۹۹۸، ۱۸۳)، و معنای قطع، شکستن و خرد شدن را القا می‌نماید (همان، ۱۸۵) دلالت‌های این آوا با شکافته شدن زمین و باز شدن قبرها و تلاش برای رهایی از توده انبوه خاک قبر تناسب دارد. در هنگام تلفظ همخوان «راء» کناره‌های زبان به صورت پی‌درپی و سریع به لثه برخورد می‌کند و تارهای صوتی را به ارتعاش در می‌آورد (ابن جزری، ۱۳۷۶: ۹۴). و از آنجایی که «راء» آوایی انفجاری و اکدار است، در پردازش تصاویر آکنده از ترس، وحشت و خشونت کاربرد دارد (بلقاسم، ۲۰۰۹: ۲۳) این آوا تصویر انسانی را به نمایش می‌گذارد که از صدای سهمگین صور و شکافته شدن قبرها، ترس سراسر وجودش را فراگرفته و بر خود می‌لرزد و از شدت لرزش و ترس افتان و خیزان است. در حقیقت ترس و نگرانی آنان بدین خاطر است که آنان تا لحظاتی قبل مردگانی بودند که در قبرها آرمیده بودند لیک الان زنده شده‌اند و حوادث سهمگینی در انتظار آنان است.

آوای «جیم» از دشوارترین همخوان‌های عربی در تلفظ است (أحمد قبه‌ها، ۲۰۱۱: ۴۱) تلفظ سخت این آوا در واژه «خروج» نشانگر بزرگی و عظمت جمع شدن استخوان‌های پوسیده‌ایی است که سالیان طولانی در زیر خاک نهفته بوده‌اند و در روز قیامت به یک‌دیگر پیوند می‌خورند و جان می‌گیرند. صفت جهر و شدت که بر معنای قوت و شدت دلالت دارد، در این آوا القاگر حالت انسان‌ها است که تمام سعی و تلاش خود را می‌کند تا از خانه قبر رهایی یابند. صفت قلقله در این آوا بر ترس و اضطراب روحی و روانی آنان در هنگام خروج از قبرها و جمع شدن در صحرا محشر دلالت دارد.

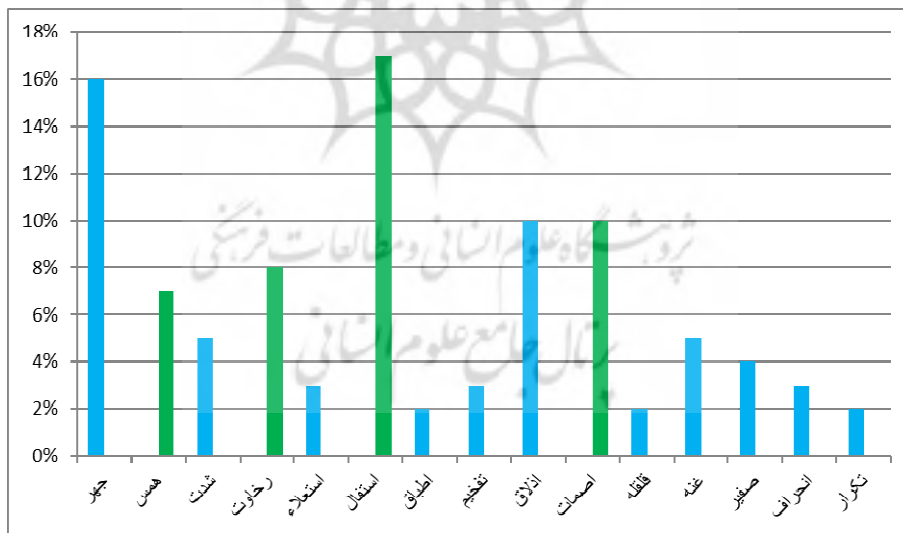
ضمه از اصواتی است که در درون حفره دهان تولید می‌شود (جبوری، ۲۰۰۶: ۱۰۴) گویی حضور این مصوت در کنار حروف انسدادی «واو» و «جیم» که برای تلفظ آن مستلزم خروج ناگهانی هواست، زنده شدن مردگان و خروج آن‌ها از گودال تاریک قبر را در ذهن تداعی می‌کند. در حقیقت دو مصوت کوتاه و کشیده ضمه، باعث می‌شود اصوات در یک

جریان متوالی و گسترده خارج و تلفظ شوند، که این امر حالت رهایی و آزادی پی‌درپی در هنگام خروج را نشان می‌دهد.

صفات آوایی آیات نفع صور دوم در یک بررسی آماری در قالب جدول در ذیل ارائه می‌شود.

جدول ۵. صفات حروف آیات نفع صور دوم

ردیف	صفات حروف	تعداد	درصد	ردیف	صفات حروف	تعداد	درصد
۱	جهر	179	٪۱۶	۹	تکرار	۲۱	٪۲
۲	همس	91	٪۷/۹۰	۱۰	اذلاق	۱۲۰	٪۱۰/۴۲
۳	شدت	52	٪۵/۵۱	۱۱	اصمات	۱۱۵	٪۱۰
۴	رخاوت	102	٪۸/۸۶	۱۲	قلقه	۲۹	٪۲/۵۱
۵	استعلاء	32	٪۳	۱۳	غنه	۵۸	٪۵/۰۳
۶	استفقال	199	٪۱۷/۲۸	۱۴	صغیر	۵۳	٪۵/۶۰
۷	اطباق	24	٪۲/۰۸	۱۵	انحراف	۳۴	٪۳
۸	تفخیم	40	٪۳/۴۸	۱۶	تغشی	۲	٪۰/۱۷



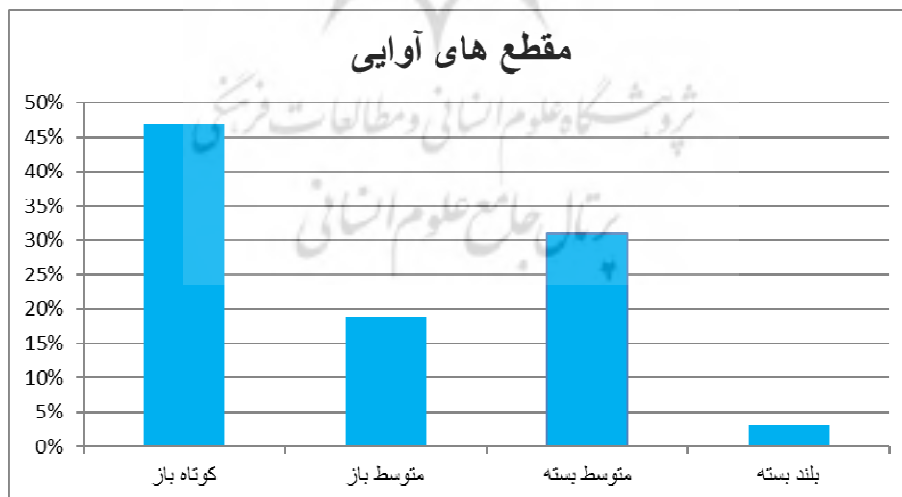
نمودار ۴. صفات آیات نفع صور دوم

هماهنگی آوا و معنا در آیات نفخ صور (منصوره طالبیان و دیگران) ۱۲۷

با بررسی داده‌های آماری صفات حروف در آیات نفخ صور اول و نفخ صور دوم بدین دریافت می‌رسیم که صفات قوی در آیات نفخ صور دوم نسبت به نفخ صور اول دامنه گسترده‌ایی را به خود اختصاص داده‌اند و ۵۹٪ صفات را تشکیل می‌دهند که این بسامد بالا با مفهوم این آیات هماهنگ است، به دیگر بیان از آنجا که نفخه دوم، نفخه حیات و جاودانگی است و مخلوقات بعد از برخاستن از خاک در صحرای محشر حاضر می‌شوند و با گذر از حوادث عجیب و طاقت‌فرسا، سرنوشت ابدی آنان مشخص می‌شود؛ از این روی ساختار آیات از حروفی تشکیل شده‌اند که صفات قوت را در خود جای داده‌اند. حال آن‌که حضور گسترده، صفات ضعف در آیات نفخ صور اول حکایت‌گر خاموشی و سکوتی است که بعد از صور اول، کل هستی را فرامی‌گیرد و موجود زنده در آسمان و زمین باقی نمی‌ماند به جز ذات اقدس الهی.

جدول ۳. مقطع‌های آوایی آیات نفخ صور دوم

ردیف	مقطع‌های آوایی	تعداد	درصد
۱	کوتاه باز (ص ح)	۹۷	۴۷٪
۲	متوسط باز (ص ح ح)	۴۱	۱۹٪
۳	متوسط بسته (ص ح ص)	۶۳	۳۱٪
۴	بلند بسته (ص ح ح ص)	۷	۳٪



نمودار ۲. مقطع‌های آوایی آیات نفخ صور دوم

با دقت در جدول و نمودار بالا بدین دریافت می‌شود که مقطع‌های آوایی کوتاه که با سرعت تلفظ می‌شوند، در این آیات به شکل معناداری بیش‌تر از دیگر مقاطع می‌باشند که این امر بیان‌گر ریتم تند و متحرک موجود در فضای آیات است و بر اضطراب و روحیه پریشان انسان‌ها به هنگام زنده شدن و برخاستن از خاک قبر اشاره دارد. همچنین رابطه‌ی بسیار محکمی میان دلالت ترس و وحشت مخلوقات، هنگام شنیدن نفخ صور و مقطع‌های آوایی باز (ص/ح/ص ح) به چشم می‌خورد، که در این آیات ۶۶ درصد مقاطع را تشکیل می‌دهد و به هنگام فراگویی، تلاش عضلانی زیادی را می‌طلبند.

شایان ذکر است که مقطع متوسط بسته نسبت به مقطع متوسط باز بسامد بیشتری را دارد، که نفس با تلفظ آن قطع می‌شود و امتداد آوایی ندارد. در این آیات سخن از نفخ صور و برخاستن از خاک است که با مقطع بسته هماهنگ است، تا شنونده شدت و سختی آن لحظه را احساس نماید، و بداند که راه نجات از آن سختی و فشار، تحمل رنج و سختی در دنیا است تا از این حادثه بزرگ ایمن شود.

بیش از ۸۰٪ از مقطع‌های آوایی بسته (ص ح ص) با حروفی مانند (نون: ۱۳ مرتبه، راء: ۳ مرتبه، واو: ۹ مرتبه، لام: ۵ مرتبه، میم: ۹ مرتبه، صاد: ۷ مرتبه) پایان یافته‌اند که آهنگ و طنین آن در تلفظ به مانند حروف مدی مدت زمانی به طول می‌انجامد که این امتداد آوایی با معنا و سیاق کلام که در مورد نفخ صور دوم و آغاز روز طولانی قیامت است هماهنگی دارد.

۶. نتیجه‌گیری

چیدمان هجایی حروف و طنین الفاظ با معنای آیات ارتباط تنگاتنگی دارند و مفهوم و معنای آیات با دقت در بعد موسیقایی آن به وضوح آشکار است؛ به دیگر بیان ویژگی‌های تلفظ حروف و صفات حروف در القای معنا به صورت هدفمند کاربرد یافته‌اند. ما شاهد حضور گسترده صفات ضعف در آیات نفخ صور اول هستیم که تکرار این صفات ترسیم‌گر نیستی و خاموشی بعد از مرگ همه مخلوقات است و همچنین دامنه وسیع صفات قوت در آیات نفخ صور دوم نمایش‌گر تجدید حیات دوباره و حوادث سخت آغاز قیامت است.

در این آیات حروف واکدار دامنه گسترده‌ایی را به خود اختصاص داده‌اند، هم‌چنین حرف رَوّی^(۲) آیات مورد بحث حروف واکدار «راء، نون، جیم، عین، قاف، دال» است که

همانگی آوا و معنا در آیات نفع صور (منصوره طالبیان و دیگران) ۱۲۹

ویژگی جهر در این واج‌ها در ترسیم ندای طنین‌انداز حضرت اسرافیل که کل هستی را فرامی‌گیرد، نقش بسزایی دارد.

آیات نفع صور از ۳۱۹ مقطع صوتی تشکیل شده است که مقطع «ص ح» ۱۴۷ مرتبه، مقطع «ص ح ح» ۶۲ مرتبه، مقطع «ص ح ص» ۹۸ مرتبه، و مقطع «ص ح ح ص» ۱۲ مرتبه ذکر شده است که بیشتر فاصله آیات با مقطع بلند بسته خاتمه یافته است که سختی و سنگینی این مقطع قوت و شدت حادثه نفع صور را در ذهن مجسم می‌نماید. شایان ذکر است که حضور گسترده مقطع آوایی کوتاه در آیات نفع صور اول و هم‌چنین کثرت حرکات کوتاه در این آیات ترسیم‌گر کوتاهی عمر دنیا و از هم‌گسیختگی سریع آن است.

در آیات نفع صور دوم، مقطع متوسط بسته نسبت به مقطع متوسط باز بسامد بیشتری به خود اختصاص داده که این تکرار مقاطع در القای معنا مؤثر بوده و از آنجا که در فراگویی این مقطع امتداد آوایی نیست و تلفظ با سختی و سنگینی همراه است، شدت و سختی لحظه زنده شدن دوباره و سختی و فشار حوادث پیش رو را ترسیم می‌کند.

کاربست واژه‌های «ناقور»، «زجره» و «صیححه» به جای واژه «صور» در بعد معناشناسی و آوایی قابل تأمل است و طنین حروف این واژگان صحنه‌هایی از حادثه بزرگ قیامت را درمقابل مخاطب مجسم می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نزدیکی وقوع حادثه قیامت در آیات «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ» (شوری، ۱۷)؛ «اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر، ۱)؛ «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَ نَرَاهُ قَرِيباً» (معارج، ۶۷) اشاره شده است.

۲. آخرین حرف اصلی قافیه را رَوَى می‌گویند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن‌اثیر، ضیاء الدین (۱۹۷۹). *المثل لسائر فی أدب الکاتب و الشاعر*، قاهره: مطبعة نهضة مصر.

ابن جزری، محمد (۱۳۷۶). *درآمدی بر علم تجوید*، تحقیق: علی حسین البواب، ترجمه: ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، قم: موسسه فرهنگی انتشارات حضور.

- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (دت). الخصائص، تحقیق محمد علی النجار، لبنان: دارالكتاب العربی.
ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین (دت). لسان العرب، بیروت: دارالصادر.
أحمد قیها، مهدی عناد (٢٠١١). التحلیل الصوتی للنص: بعض قصار سور القرآن الکریم أنموذجاً،
اطروحة علی درجة الماجستير، فلسطين: جامعة النجاح الوطنی.
أنیس، ابراهیم (١٩٧٢). موسیقی الشعر، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصریة.
بحری، نواره (٢٠١٠). نظریة الإنسجام الصوتی و أثرها فی بناء الشعر، أطروحة لنیل درجة الدكتوراه،
دانشگاه الحاج لخضر باتنه.
البع، محمد رمضان (٢٠٠٩). «دلالة الأصوات فی فواصل آیات جزء عم»، مجلة جامعة الأقصى،
دورة ١٣، العدد ٢، صص ١-٢٦.
بلقاسم، دفة (٢٠٠٩). «نماذج من الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم دراسة دلالية»، مجلة کلیة الآداب
والعلوم الإنسانیة و الإجتماعیة، جامعة محمد خیضر، بسكرة (الجزائر)، صص ١-٣٥.
بوزیدانی، فريدة (٢٠٠٨). «سيف الدولة فی کافوريات المتنبي»، مجلة الثقافة الوطنیة الیدمقراطیة،
(ادب و نقد) حزب التجمع الوطنی التقدمی الوحدي، مج ٢٤. ٨٧.
الجبوری، محمد یحیی سالم (٢٠٠٦). مفهوم القوة و الضعف فی أصوات العربیة، ط ١، بیروت:
دارالکتب العلمیة.
حسن صالح، کورديا أحمد (٢٠١٢). النظام الصوتی التولیدی فی السور المکیة القصار، الأردن: عالم
الکتب الحدیث.
خوش منش، ابوالفضل (١٣٩٤). «بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم»، مطالعات فرهنگ
ارتباطات، دوره شانزدهم، شماره ٦٢، صص ١٨٥-٢١٥.
الراغب، عبدالسلام أحمد (٢٠٠٣). وظیفه الصورة الفنیة فی القرآن الکریم، الطبعة الثانية، حلب: فصل
للداسات.
زارعی فر، ابراهیم (٢٠٠٧). «الموسیقی فی الشعر الاجتماعی عند حافظ ابراهیم»، مجلة الجمعية العلمیة
الإیرانیة للغة العربیة و آدابها، عدد ٧.
زندى، بهمن (١٣٨٩). درآمدي بر آواشناسی زبان عربی و تجويد قرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های
اسلامی آستان قدس رضوی.
سلطان القصیر، ابتسام عبدالحسین (٢٠٠٦). التغير الصوتی فی الفواصل القرآنیة و دلالاته، اطروحة
علی درجة الدكتوراه، جامعة بغداد.
الصیغ، عبدالعزيز (١٩٩٨). المصطلح الصوتی فی الدراسات العربیة، دمشق: دار الفكر.
طالب الإبراهیمی، حولة (١٩٩٤). مبادئ فی اللسانیات، الجزائر: دار القصبه للنشر.

هماهنگی آوا و معنا در آیات نفع صور (منصوره طالبیان و دیگران) ۱۳۱

- طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). *التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظيم*، اردن: دار الكتاب الثقافی.
- عباس، حسن (۱۹۹۸). *خصائص الحروف العربیة و معانیها*، منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- عجولی، أروی خالد مصطفی (۲۰۱۴). *النظام الصوتی و دلالاته فی سیغیات المتنبی و کافوریاته*، اطروحة علی درجه الماجستير، نابلس: جامعة النجاح الوطنیة.
- عبدالرحمن، مروان محمد سعید (۲۰۰۶). *دراسة اسلوبیة فی سورة الكهف*، رسالة درجه الماجستير، فلسطين: جامعة النجاح الوطنیة فی نابلس.
- العقادی، عباس محمود (دت). *أثنتان مجتمعات فی اللغة و الأدب*، مصر: دار المعارف.
- العلایلی، عبدالله (دت). *مقدمة لدرس لغة العرب و کیف نضع المعجم الجدید*، القاهرة: المطبعة العصریة.
- عوض حیدر، فرید (۲۰۰۵). *علم الدلالة دراسة نظریة و تطبیقیة*، القاهرة: مكتبة الآداب.
- غریب قادر، فخریة (۲۰۱۱). *تجلیات الدلالة الإیحاتیة فی الخطاب القرآنی*، الأردن: عالم الكتب الحدیث.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)*، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- قطب، سید (۱۴۲۵). *فی ظلال القرآن*، لبنان: دار الشروق.
- قویمی، مهوش (۱۳۸۳). *آوا و القا*، تهران: هرمس.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۳). *مرگ تا قیامت*، قم: دفتر نشر معارف.
- مالبرج، برتیل (۱۹۸۴). *علم الأصوات*، ترجمة و دراسة: عبد الصبور شاهین، القاهرة: مكتبة الشباب.
- مجلسی، محمد باقر (دت). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)*، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- مطر، عبدالعزیز، (۱۹۹۸). *علم اللغة و فقه اللغة*، دار قطر بن فضاء.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- النوری، محمدرضا (۱۹۹۶). *علم الأصوات العربیة*، ط ۱، عمان: جامعة القدس المفتوحة.
- یاسمینه، مالکی (۲۰۱۶). *البناء الصوتی و التشکیلی سورة الملك نموذجاً*، اطروحة علی درجه الماجستير، جامعة ابوبکر بلقاند.